

مبانی و اهداف تربیت اخلاقی در نهج البلاغه

علی آگاه^۱، سعید بهشتی^۲

^۱ فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ایران

^۲ فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ایران

چکیده

تربیت و اخلاق را در فرهنگ‌های گوناگون به طرق مختلف تعریف کرده‌اند که در متن پژوهش شرح داده شد؛ اما از آنجایی که انسان در نهج‌البلاغه، به‌عنوان فردی مجزا از اجتماع توصیف نشده است، بلکه یکی از ابعاد اساسی هویت او را، رابطه‌اش با اجتماع تشکیل می‌دهد. به‌عبارتی دیگر از نظر نهج‌البلاغه شکل‌گیری هویت فرد به نوع روابطی که با اطرافیان خود برقرار می‌کند بستگی دارد. اگرچه خود او نیز مسئول است و بایستی در ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی تأمل کند و مفروضات موهوم و نابخردانه را از آن طرد کند و اگر نتواند، خود را از شبکه آن اجتماع بیرون بکشد. در یک نظام اخلاقی اسلامی، اصول و ارزش‌های اخلاقی نه همه بدیهی‌اند و نه می‌توان با تکیه بر تجربه یا عقل به آن‌ها دست‌یافت و نه ممکن است با تکیه بر سلیقه و خواست مردم آن‌ها را تعیین نموده و یا تغییر داد. با در نظر گرفتن این متغیرها مرور برخی از جملات امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه همام حاکی از آن است که در مکتب تربیتی ایشان، روند تربیت اخلاقی با تکیه بر اصول و مبانی ثابتی از قبیل «تعقل، توحید مداری، فطرت مداری، اصل زهد، اصل اعتدال، اصل تدبیر» به پیش می‌رود؛ و با بکار بستن این مبانی می‌توان انسانی کامل و سعادتمند، انسانی حق‌طلب و عدالت‌خواه و متکی به خالق خویش و خلاصه انسانی آرمان‌خواه و دادگر و مؤمن و بافضیلت را بار آورد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، اخلاق، نهج‌البلاغه، همام.

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی

دوره ۴، شماره ۲/۱، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۹-۳۰